

# مهارت موقت

انسانی، قوانین کار و بازار کار سراسر متحول خواهد شد. اتحادیه‌های کارگری اعتبار خود را از دست خواهند داد و دلیل وجودی آن‌ها از بین می‌رود.

تقسیم کار صنعتی که بر پایه تقسیم کار کشاورزی میان زنان و مردان - برای شکار، نگهداری بچه‌ها و خانه‌داری به‌وجود آمده بود، در اقتصاد آینده مفهوم خود را از دست خواهد داد و بسیاری از شغل‌ها نیز از میان می‌روند.

**آدام اسمیت** در سال ۱۷۷۶، تقسیم کار را از بزرگ‌ترین پیشرفت‌های بشر دانست و از هنگام ابداع این راهبرد تا پایان دوران صنعتی، تقسیم تخصصی و حرفه‌ای کار، به راستی با اهمیت و سودمند بوده است. ولی در اقتصاد نوین و دانش پایه، این وضع دگرگون می‌شود.

در ثروت‌آفرینی نوین، بیشتر کارها و فعالیت‌ها

تسا پیش از دوران صنعتی و به وجود آمدن نیروی کار کارخانه‌ای، شغل به این معنی که ما امروز آن را «کار» می‌دانیم وجود نداشته است. کار در برابر مزد مشخص وجود نداشت و ساعت کاری هنوز ابداع نشده بود. شغل، دستمزد و ساعات کار، مثل ماشین بخار و دیگر نوآوری‌های دوران صنعتی، پدیده‌ای مربوط به سه قرن پیش است.

در این دوران کار از بیرون و از کشتزارها به درون کارخانه‌ها نقل مکان کرد و از نظر زمانی ساعات کار به جای طلوع و غروب خورشید و یا فصل‌ها، از ساعت پیروی کرد. دستمزد را نیز بر پایه ساعت کارکرد محاسبه کردند و این از ویژگی‌های شغل شد.

در آینده نیز مردم همچنان کار خواهند کرد، اما پرداخت به آنان تغییر می‌کند. روابط کار، اداره منابع



به صورت موقت هستند. مهارت‌ها را موقتی در شکل مورد نیاز سازمان شکل می‌دهند و پس از انجام کار، سازمان نیز بر چیده می‌شود.

سپس سازمانی جدید، با طراحی جدید و مهارت‌های تازه شکل می‌گیرد. مهارت‌های تازه نیروی بالقوه جدیدی را می‌طلبد که صاحب دانش روز باشد. افزون بر تحول در چگونگی تقسیم کار، توزیع درآمد ناشی از آن هم دگرگون می‌شود. دستمزدها تغییر شکل می‌دهند و در نظام انقلابی تازه باید در هر مورد تعیین کرد که هر کسی چه بخش از درآمد را می‌برد. مهارت‌ها تغییر شکل می‌دهند و توانایی فرد در تکمیل و تغییر مهارت، تعیین‌کننده شایستگی اوست.

از سوی دیگر، داشتن یک شغل برای همه عمر کاری بی‌معنی است. دیگر هنرجو نمی‌تواند مانند

هنرآموز خود که متعلق به نسل قبلی است، یک شغل را ۳۰ سال حفظ کند. بازار کار دگرگون شده اجازه این عمل را به او نمی‌دهد.

سخن آن بزرگ به یادم آمد که در آموزش و پرورش، فرزندان را برای دیروز پرورش می‌دهیم. ... در حالی که نسل فردا متعلق به فرداهاست. فردا دیگر آچار و پیچ‌گوشتی در دستان کارگران نیست. کارخانه‌ها مستقر روی صفحه رایانه‌ای هستند که کارگران آن در سراسر دنیا برای آن ثروت‌آفرینی می‌کنند. نظام آموزش و پرورش فعلی، به جای آماده کردن هنرجویان برای کار در اقتصاد آینده، نباید آنان را به گذشته پیوست کند. نباید اجازه دهیم همان‌گونه که نهادهای فئودالی سد راه پیشرفت صنعتی بود، دیوان سالاری نظام صنعتی، حرکت به سوی نظام پیشرفته‌تر را آهسته کند.

#### \* پی‌نوشت

۱. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب انقلاب در ثروت‌آفرینی نوشته آوین تافلر و هیدی تافلر، از انتشارات مدیریت فردا.